سرقت‌های سریالی برای هزینه عروسی مجلل

گروه حوادث/ شاگرد طلافروشی برای تأمین هزینه عروسی مجلل خود با ۵ پسر جوان سناریوی سرقت‌های سریالی از طلافروش‌های کیفی و کیف‌قاپی در حوالی بازار تهران را طراحی و اجرا می‌کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود سه ماه قبل مرد جوانی با مراجعه به پلیس از سرقت کیف حاوی طلایش خبر داد و گفت: من طلافروش کیفی هستم، صبح امروز برای خرید طلا به تهران آمدم، بعد از انجام کارم در حال برگشت بودم که در نزدیکی بازار، دو موتورسوار راهم را سد کردند. مردان نقابدار با تهدید چاقو، کیف من را که حاوی یک کیلو و ۲۰۰ گرم طلا بود، به سرقت بردند.

با شکایت مرد طلافروش، کارآگاهان اداره هجدهم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شدند و به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت پرداختند. دوربین‌ها تصاویر مردان نقابدار را در حال سرقت نشان می‌داد، اما چهره متهمان با ماسک و کلاه پوشانده شده بود.

در حالی که تحقیقات برای دستگیری سارقان ادامه داشت، کارآگاهان با شکایت‌های مشابه دیگری مواجه شدند؛ سرقت از چندین طلافروش کیفی در محدوده بازار تهران که از شهرهایی مانند اصفهان برای خرید و فروش طلا به تهران آمده بودند.

دوربین‌ها نیز نشان می‌داد که سرقت‌ها سریالی و از سوی چهار مرد نقابدار سوار بر دو موتورسیکلت صورت گرفته است.

در حالی که تحقیقات برای شناسایی سارقان ادامه داشت، کارآگاهان این بار با کیف‌قاپی‌های سریالی مواجه شدند. زمانی که مأموران سراغ دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت‌های کیف‌قاپی رفتند و تصاویر آنها به دست آمد، مشخص شد که آنها همان سارقانی هستند که اقدام به سرقت از طلافروش‌های کیفی می‌کنند.

کمین برای دستگیری

با کنار هم قرار دادن مدارک و شواهد به دست آمده، محل‌های سرقت سارقان مورد بررسی قرار گرفت و اکیپی از مأموران اداره هجدهم پلیس آگاهی پایتخت به رصد محدوده سرقت‌ها پرداختند. بعد از ساعت‌ها کمین و تحقیقات میدانی در نهایت موفق به دستگیری اعضای این باند شدند که ۶ نفر بودند.

سرهنگ علی ولی‌پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: اعضای این گروه ۶ عضو داشت که دو نفر از آنها نقش شناسایی سوژه‌ها را برعهده داشتند و ۴ نفر دیگر سوار بر دو موتورسیکلت سرقت‌ها را اجرا می‌کردند. سرانجام تلاش و ردیابی‌های کارآگاهان نتیجه داد و به شناسایی مخفیگاه سارقان و بازداشت آنها منجر شد. از مخفیگاه آنها حدود نیم کیلو طلای سرقتی کشف شد و متهمان به دو فقره سرقت اعتراف کردند، اما تاکنون ۱۰ شاکی شناسایی شده‌اند. اعضای این گروه علاوه بر سرقت از طلافروشان، به صورت سریالی اقدام به کیف‌قاپی و موبایل‌قاپی کرده و تاکنون به ۳۰ فقره سرقت اقرار کرده‌اند.

این سرقت‌ها از حدود سه ماه قبل شروع شده است و حدود ۲ کیلو طلا به این شیوه سرقت کرده‌اند. آنها طعمه‌هایشان را در بازار تهران شناسایی و در فرصتی مناسب نقشه سرقت را اجرا می‌کردند.

رئیس پلیس آگاهی تهران همچنین در رابطه با طرح‌های مقابله پلیس با سارقانی که عامل برهم زدن امنیت مردم و جامعه هستند، بیان کرد: خط قرمز پلیس، امنیت مردم است و همکارانم در زمینه کشف وقوع جرم از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند به طوری که در ۶ ماه اول امسال نسبت به سال قبل، بیش از دو هزارسارق دستگیر شده‌اند.

گفت‌وگو با سردسته باند

ایمان، ۲۷ ساله، در طلافروشی یکی از بستگانش کار می‌کرد، او سردسته این باند سرقت است و انگیزه‌اش برای این سرقت‌ها غیر از وسوسه پولدار شدن شرط سخت خانواده همسر آینده‌اش برای برگزاری یک عروسی مجلل بود.

■ چه شد که تصمیم به سرقت گرفتی؟

یک شب با دوستانم در کافه نشسته و در حال کشیدن قلیان بودیم که ایده سرقت را مطرح کردم و دوستانم هم استقبال کردند. من در طلافروشی یکی از اقوامم کار می‌کردم و می‌دانستم که طلافروش‌های کیفی چطور کار می‌کنند. سرقت طلا از آنها راحت است، چرا که هیچ سیستم امنیتی و محافظتی ندارند و راحت می‌شود طلاهایشان را سرقت کرد.

■ با اینکه در طلافروشی کار می‌کردی، باز هم به فکر سرقت افتادی؟

چند وقت قبل نامزد کردم و خانواده همسرم یکی از شروطی که برایم گذاشته بودند برگزاری عروسی مجلل بود. درآمد من از شاگردی در طلافروشی ماهی ۸ میلیون تومان بود. من هر شب یا به قهوه‌خانه می‌روم یا به کافه؛ در این بساط‌های شبانه افراد زیادی می‌آیند و صحبت‌های زیادی می‌شود؛ صحبت‌های وسوسه‌انگیزی که فکر خلاف را به ذهن آدم می‌اندازد.

■ چه صحبت‌هایی می‌کردند؟

مثلاً یک نفر به کافه می‌آمد و بچه‌ها می‌گفتند این رو ببین سارق منزل است و کلی از این کار پول به جیب زده است. یا یکی دیگر با ماشین آخرین مدل می‌آمد و می‌گفتند کیف‌قاپ است و تا به حال هم دستگیر نشده و ماشین مدل بالا هم از این سرقت‌ها گیرش آمده است. خلاصه این حرف‌های وسوسه‌کننده، ایده سرقت را به ذهنم انداخت.

■ همدستانت چرا قبول کردند؟

همه مثل من یک جای زندگی‌شان می‌لنگد؛ یکی لیسانس دارد اما بیکار است، یکی در کار خرید و فروش ضایعات است ولی درآمدش پایین است. امیر که صاحب کافه بود اما به خاطر گرانی مشتری‌هایش خیلی کم شده بود، شاهین با موتورش کار می‌کرد... خلاصه هر کدام از ما نیاز به پول داشتیم و گرچه بچه‌محل نبودیم و شغل مشترک نداشتیم، اما انگیزه‌هایمان یکی بود و آن هم پولدار شدن بود.

■ چطور طلافروش‌های کیفی را شناسایی می‌کردی؟

من سال‌ها در طلافروشی کار کرده‌ام و طلافروش‌های کیفی را می‌شناسم. مشخصات را به همدستانم می‌دادم و چهار نفر از آنها سوار بر دو موتورسیکلت سوژه را تعقیب می‌کردند. زمانی که به محل خلوتی می‌رسیدند، با تهدید کیف را سرقت می‌کردند.

دو حادثه مرگبار که در یک روز رخ داد

قمار خونین بر سر یک پاکت سیگار

گروه حوادث/ سقوط مرگبار خودروی سارقان به کانال آب و قتل مرد معتاد در قمار بر سر سیگار دو پرونده‌ای است که در نخستین روز هفته جاری، پیش روی تیم جنایی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، نخستین حادثه بامداد شنبه ۱۹ آذر در حالی رخ داد که مأموران گشت پلیس متوجه خودروی پرایدی با سه سرنشین شدند. مأموران که به سرنشینان پراید مشکوک شده بودند، بلافاصله شماره پلاک خودرو را استعلام کردند و مشخص شد خودرو سرقتی است که مأموران به پرایدسواران دستور ایست دادند اما آنها اقدام به فرار کرده و بدین ترتیب تعقیب و گریز آغاز شد.

متهمان به سمت پاکدشت رفته اما باتوجه به سرعت بالایی که داشتند، ناگهان تعادل‌شان را از دست داده و خودرو به داخل کانال آب سقوط کرد. به دنبال این حادثه بلافاصله تیم امداد و نجات راهی محل شده و سارقان پراید سوار را از کانال آب خارج کردند. اما بر اثر این سقوط یکی از آنها جان باخته و دو متهم دیگر پس از بهبودی در اختیار کارآگاهان پلیس ورامین قرار داده شدند.

■ قتل مرد کارتن‌خواب

دومین حادثه ساعت ۶:۳۰ صبح ۱۹ آذر به بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. مأموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت راهی خانه‌ای متروکه پشت ترمینال جنوب شدند. آنها جسد مرد کارتن‌خوابی را که به قتل رسیده بود مشاهده و در همان صحنه جنایت مرد دیگری را بازداشت کردند.

متهم بازداشت شده در تحقیقات گفت: با مقتول و پژمان که مثل ما اعتیاد دارد در خانه متروکه بودیم و سر یک پاکت سیگار قماربازی می‌کردیم. اما من قمار را باختم و از این شکست خیلی ناراحت شدم. به همین دلیل به پژمان گفتم مقتول را گوشمالی دهد اما او دست به قتل زد و بعد از جنایت هم متواری شد.

تحقیقات برای بازداشت قاتل فراری از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت ادامه دارد.

اعتراف مرد ورشکسته در دادگاه:

قصدم سرقت از کارگاه بود نه قتل

گروه حوادث/ مرد ورشکسته که متهم است در جریان سرقت از همسایه‌اش او را به قتل رسانده در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از دی سال ۱۴۰۰ با گزارش قتل صاحب یک کارگاه قالب‌سازی در جنوب تهران آغاز شد. پس از آن مأموران بلافاصله به محل اعزام شدند و در بررسی‌های اولیه مشخص شد که مقتول مردی حدوداً ۴۰ ساله به نام کریم است که با ضربات متعدد جسم سخت به سرش کشته شده است.

در ادامه جسد کریم با دستور قضایی به پزشکی قانونی انتقال داده شد و مأموران در تحقیقات میدانی به سراغ کارگر کارگاه رفتند. او در توضیح ماجرا به پلیس گفت: امروز صبح مثل هر روز در کارگاه را باز کردم تا کارم را شروع کنم که با جسد کریم در حالی که خون زیادی از سرش ریخته بود مواجه شدم.

در تحقیقات میدانی مشخص شد مقتول با صاحب کارگاه دیگری که در همسایگی آنها بوده اختلاف داشته است، بنابراین با این سرنخ مأموران به سراغ خسرو صاحب کارگاه رفتند و به خاطر تناقض‌گویی‌هایش او را بازداشت کردند اما در نهایت در بازجویی‌های فنی به قتل اعتراف کرد و گفت: من و دایی‌ام یک کارگاه قالب‌سازی داریم و از سال‌ها قبل با کریم همسایه هستیم.

چند ماه پیش مشکلات مالی گریبانم را گرفت و موجب شد سر همین موضوع با همسرم هم دچار اختلاف شوم تا اینکه تصمیم گرفتم یکی از دستگاه‌های کارگاهم را بفروشم.

بعد از آن موضوع را با کریم در میان گذاشتم و وقتی دیدم او هم می‌خواهد دستگاه‌هایش را بفروشد نقشه سرقت دستگاه‌های کارگاه او به ذهنم رسید.

از آنجایی که دستگاه‌های قالب‌سازی وزن زیادی دارند و برای انتقال آن باید از جرثقیل استفاده کرد با خوراندن چند قرص خواب به کریم او را بی‌هوش کردم بعد مالخری را به کارگاه او آوردم و شبانه دستگاه‌ها را سرقت کردم و فروختم. چند ساعت بعد که کریم از خواب پرید، متوجه ماجرا شد و به سراغم آمد و باهم درگیری لفظی پیدا کردیم می‌خواست با پلیس تماس بگیرد که من در یک لحظه با یک چوبدستی چند ضربه به سرش زدم و او روی زمین افتاد.

با اعترافات صریح متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند.پس از آن متهم به جایگاه رفت و با رد اتهام قتل عمد عنوان کرد: قصدم کشتن کریم نبود. من فقط می‌خواستم مانع تماس او با پلیس شوم و بعد موضوع را خودمان حل کنیم. اما او خواست فرار کند که چوب به سرش خورد و جمجمه‌اش شکست. حالا هم پشیمانم.

پس از اظهارات متهم، قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

انفجار ساختمان ۵ طبقه در مشهد

گروه حوادث/ نشت گاز و انفجار شدید در یک ساختمان مسکونی پنج طبقه در مشهد منجر به تخریب چند واحد مسکونی و سه خودرو شد. آتشپاد دوم مجید فرهادی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مشهد گفت: در این حادثه که صبح شنبه ۱۹ آذر ماه در یک آپارتمان ۵ طبقه واقع در بلوار مطهری شمالی مشهد رخ داد ضمن تخریب ۱۰۰ درصدی طبقه همکف این آپارتمان، خسارت زیادی به واحدهای دیگر و ساختمان‌های مجاور وارد شد و ۳ دستگاه خودروی پارک شده در کنار محل حادثه نیز آسیب دیدند که نجاتگران و آتش‌نشانان بلافاصله اقدام به ایمن‌سازی محل حادثه کردند. این حادثه تلفات جانی در پی نداشت. بررسی‌های اولیه نشت گاز را علت وقوع این انفجار اعلام کردند، اما علت دقیق حادثه در دست بررسی است.

اعتراف به جنایت با همدستی زن مقتول

گروه حوادث/ مرد جوان که با همدستی یک زن، شوهر وی را به قتل رسانده بود دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»سرهنگ حمید افرامن، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی استان فارس گفت: اوایل آذر، در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر توقف مشکوک یک دستگاه سواری پراید در جاده «بند بهمن» شهرستان کوار، عوامل انتظامی در محل حاضر شده و جسد مردی پیچیده در پتو را روی صندلی عقب خودرو کشف کردند.بلافاصله کارآگاهان پرونده‌ای برای این قتل تشکیل داده و تحقیقات را برای شناسایی هویت مقتول ۴۴ ساله آغاز کردند که بعد از ۱۵ روز موفق به شناسایی قاتل وی شدند.

این مقام انتظامی با اشاره به دستگیری قاتل ۲۸ ساله در شهرستان شیراز، گفت: متهم در بازجویی اولیه ضمن اعتراف به قتل، اعلام کرد که این اقدام با همدستی همسر مقتول انجام شده است.افرامن گفت: قاتل اعتراف کرد که روز حادثه برسر مشکلات خانوادگی در منزل مقتول با او درگیر شده و با یک ابزار سخت او را به قتل رسانده و بعد از پیچیدن جنازه در یک پتو آن را در خودروی مقتول قرار داده و ماشین را در کنار جاده‌ای رها می‌کند.

رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس فارس با اشاره به اینکه متهمان برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند، به شهروندان توصیه کرد در صورت داشتن هرگونه مشکلات شخصی و خانوادگی با مراجعه به مراکز مشاوره معتبر آن را مرتفع کنند تا شاهد چنین حوادث دلخراشی نباشیم.

اخبار

با تلاش خبرنگار روزنامه ایران در اندیکا انجام شد

ملاقات با مادر پس از ۲۴ سال

هوشنگ فرجی- شوشتر/ پسر جوانی که از یکسالگی مادرش را گم کرده و تصور می‌کرد وی فوت کرده است با تلاش گروه جویندگان عاطفه روزنامه ایران و کمیته امداد شهرستان اندیکا پس از ۲۴ سال با مادرش ملاقات کرد.

به گزارش «ایران»، این پسر جوان زمانی که یک ساله بود پس از طلاق پدر و مادرش به همراه پدر به شهرستان شوشتر رفت و بعد از ازدواج دوباره پدرش به همراه نامادری و پدرش زندگی می‌کرد؛ رضا که در تمام این سال‌ها تصور می‌کرد این زن مادر واقعی اوست وقتی بزرگتر شد و به مدرسه رفت با مشاهده نام مادرش در شناسنامه و تفاوت آن با نام مادری که در یک خانه با او زندگی می‌کرد این سؤال برایش پیش آمد که علت این تفاوت چیست و پس از پرس و جو از پدر و مادر و بستگانش دریافت که مادر واقعی او سال‌ها قبل از پدرش طلاق گرفته است و این زن در واقع نامادری اوست.

رضا که بی‌تاب دیدار مادر واقعی خود و اطلاع از سرنوشتش بود وقتی پیگیر ماجرا شد به او گفتند که مادرش فوت کرده است.بدین ترتیب وی سال‌ها با این تصور که مادرش فوت کرده است در کنار پدر و نامادری اش که او را بسیار دوست داشت زندگی کرد تا اینکه بزرگ شد و برای کار به یکی از شهرستان‌ها رفت اما در آنجا سرنوشت، به طرز عجیبی حقیقت زندگی اش را برملا کرد.

رضا در آن شهر و خیلی اتفاقی با مردی رو به رو شد که وقتی نام فامیلی او را شنید و پس از گپ و گفت دوستانه متوجه شد با یکدیگر نسبت فامیلی دارند. در این میان وقتی رضا داستان زندگی خود و ماجرای مرگ مادرش را برای او تعریف کرد مرد جوان با تعجب گفت: ولی مادر واقعی تو زنده است!

رضا که از شنیدن این موضوع شوکه شده بود با مشخصاتی که مرد جوان داد بلافاصله به شوشتر برگشت و با مراجعه به افراد مختلف از جمله خبرنگار روزنامه ایران برای پیدا کردن مادرش تقاضای کمک کرد.

بدین ترتیب با تلاش گروه جویندگان عاطفه و همچنین مسئولان کمیته امداد مشخص شد مادر رضا که زنی عشایر بوده در شهرستان اندیکا در خانه‌ای کوچک که کمیته امداد و نیکوکاران شهر برایش ساخته‌اند زندگی می‌کند. بنابراین به سراغ وی رفتند و سرانجام مقدمات دیدار این مادر و پسر پس از ۲۴ سال دوری فراهم شد و روز جمعه ۱۸ آذر رضا و مادرش همدیگر را ملاقات کردند.

رضا محمدی بوری به خبرنگار جویندگان عاطفه روزنامه ایران گفت: در این مدت نامادری ام مانند فرزندان خود به من محبت می‌کرد وهمیشه فکرمی کردم مادرواقعی‌ام این زن است تا اینکه ازطریق روزنامه ایران و کمیته امداد امام شهرستان اندیکا توانستم مادرواقعی خودم را که نامش درشناسنامه‌ام بود پیداکنم. از این به بعد دیگر مادرم را تنها نمی‌گذارم و هرکاری بتوانم برای آسایش او انجام می‌دهم.

ماهپاره مادر رضا که پس از مرگ همسر دومش به همراه فرزند ۱۴ساله‌اش زندگی می‌کند در حالی که از پیدا شدن پسرش شوکه بود و خدا را شکر می‌کرد و اشک شوق می‌ریخت گفت: در این سال‌ها خیلی دلم می‌خواست پسرم را ببینم و بدانم کجاست؛الان خدا را شکر می‌کنم که توانستم قبل از مرگم او را پیدا کنم و در آغوش بگیرم.

پسرم به من گفت نامزد کرده است اما او از من خواسته تا من دوباره به خواستگاری دختر مورد علاقه‌اش بروم و در مراسم ازدواجش حاضر باشم.

زن میانسال ادامه داد: من قبلاً درچادرعشایری زندگی می‌کردم اما با کمک کمیته امداد خانه‌ای برایم ساختند در حالی که هیچ وسایل زندگی ندارم اما امروز به یمن پیدا شدن پسرم رئیس کمیته امداد اندیکا یک تخته فرش هم برایم هدیه آورد.

کلاهبرداری به بهانه کابل برگردان مخابرات

گروه حوادث/ کلاهبرداران سایبری پس از تماس در پوشش مخابرات و تماس برای کابل برگردان حساب مشترکان را خالی می‌کنند.

سرهنگ رامین پاشایی معاون اجتماعی پلیس فتای فراجا در این باره گفت: یکی از مواردی که افراد سودجو در پوشش آن اقدام به کلاهبرداری از دیگران کرده‌اند، کلاهبرداری در پوشش تماس به بهانه کابل برگردان مخابرات است. در صورتی که هرگونه تماس تلفنی با عنوان شرکت مخابرات به بهانه کابل برگردان و قطع خطوط تلفن و درخواست کد از آنها کلاهبرداری است.

معاون اجتماعی پلیس فتای فراجا ادامه داد: افراد سودجو در تماس خود با شهروندان از آنان درخواست می‌کنند که مثلاً کدهای ارسال شده در پیامک یا تماس‌های صوتی را در اختیار آنان قرار دهند تا از قطع تلفن‌شان جلوگیری شود و ... . این موارد همگی کلاهبرداری محسوب شده و شهروندان باید توجه داشته باشند که به هیچ عنوان کدهای دریافتی از تلفن ثابت یا تلفن همراه خود را برای هیچ کس قرائت نکنند.

حوادث جهان

قتل و گروگانگیری در آلمان

یک مرد مسلح در شرق آلمان پس از قتل زن ۷۰ ساله با ورود به یک مرکز خرید اقدام به گروگانگیری کرد.

به گزارش سرویس بین‌الملل خبرگزاری صداوسیما از برلین، صبح شنبه در شهر درسدن واقع در شرق آلمان، پلیس به دنبال یک حادثه قتل و گروگانگیری، دستور تخلیه یک مرکز خرید و مناطق مجاور این حادثه را صادر کرد.جزئیات بیشتری در مورد این حادثه هنوز منتشر نشده است. شبکه تلویزیونی الجزیره نیز گزارش داد، در پی گروگانگیری در یک مرکز خرید در شهر درسدن آلمان، پلیس این کشور از شهروندان خواست از حضور در مرکز شهر پرهیز کنند.

پلیس از اعمال محدودیت‌های ترافیکی و تخلیه این مرکز خرید خبر داد.

در همین حال رسانه‌های آلمان نیز گزارش دادند که فرد مسلح پس از تیراندازی در ساختمان یک رادیو در درسدن اقدام به گروگانگیری در مرکز خرید کرده است. به گزارش رویترز، این گروگان گیری ساعتی بعد بدون تلفات بیشتر پایان یافت.